

هویت مکان‌های تاریخی در بستر تغییر؛

تحقیق در مبنای نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر

فرهنگ مظفر* هادی ندیمی** ابودر صالحی***

چکیده

به نظر می‌رسد در تاریخ حفاظت معماری، تلقی نظریه پردازان حفاظت از هویت مکان‌های تاریخی به‌ویژه از منظر مواجهه با تغییر، یکی از مهمترین مبادی نظریه‌های حفاظتی بوده است. این در حالی است که جامعه امروز ایران، تلقی‌ای روشنی از این موضوع در دست ندارد. آنچه به طرح این سؤال می‌انجامد که تلقی فرهنگ ایرانی-اسلامی از هویت مکان‌های تاریخی از منظر مواجهه با تغییر چیست؟ در این راستا نوشتار حاضر، ابتدا با تکیه بر روشی تحلیلی-توصیفی، مروری بر رویکردهای مرتبط در نظریه‌های حفاظت خواهد داشت. رویکردهای موجود، دو رویکرد قائل به «هویت ثابت‌مدار» و «هویت فرایندی» را شامل می‌شود. سپس با استناد به بنیان‌های حکمی اسلامی و با تکیه بر استدلال منطقی و به روش قیاسی، به تبیین نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر پرداخته می‌شود. نتیجه آن که از این منظر، هویت مکان تاریخی، منوط به اندازه‌های آن و اساساً در صیورورت مدام است؛ از این رو نمی‌تواند از ثبات و بقا برخوردار باشد؛ در این راستا و بر اساس مبناهای نظری تحقیق، هویت مکان تاریخی، «متغیر ثابت‌مدار» دانسته می‌شود. ضمن آن که در پاسخی به چپستی امر ثابت، سه «نظام اندازه‌مندی» یا «نظم» مختلف شامل نظم‌های «مصادقی»، «فرهنگی» و «طبیعی» طرح می‌گردد. در این میان، نظم مصادقی مکان تاریخی، فارغ از نسبتی که با نظم‌های فرهنگی و طبیعی دارد، نمی‌تواند مبنایی ثابت و ناظر به صیورورت مکان تاریخی باشد. نظم‌های فرهنگی نیز فارغ از مراتب عالی‌تر از نظم (از جمله نظم‌های طبیعی)، نمی‌تواند از ثباتی برخوردار باشد. مگر آن که هویت مکان تاریخی، مظهریت بی‌مثالی برای کیفیت‌های وجودی و اندازه‌مندی‌های وجود داشته باشد که در این صورت، رشته استمرار هویت می‌تواند نظم‌های مصادقی باشد. هرچند که در نهایت، در دورانی همچون امروز که رجوع به نظم‌های طبیعی و حتی فرهنگی در تقدیر اندازه‌های مکان به کمترین میزان خود رسیده، غالب مکان‌های تاریخی لازم است در این زمره دانسته شود.

کلید واژگان: هویت، اندازه، مکان تاریخی، تغییر، حفاظت معماری، نظم، حکمت اسلامی.

* دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

** استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

*** دانشجوی دکتری مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

مروری بر تاریخ حفاظت معماری، گویای آن است که حداقل یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در شکل‌گیری رویکردهای حفاظتی، تلقی حفاظت‌گران از «چیستی مکان‌های تاریخی» بوده است. چرا که غالباً آنچه حفاظت‌گر در جریان شناخت موضوع، مورد توجه ویژه قرار داده و وجهی مهم از آن دانسته، در جریان حفاظت به موضوعی برای حفظ یا توجه ویژه تبدیل گردیده است. ضمن آن که حفاظت معماری، معماری را به ویژه از جهت مواجهه‌اش با تغییر و سیورورت مدام مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو در شناخت اثر نیز تلقی از اثر معماری از آن جهت که مواجه با زمان و تغییر است، مبنایی برای طرح نظریه‌ها و رویکردهای حفاظتی قرار گرفته است. بدین معنا، پیش از پرداختن به هر اندیشه‌ای در حوزه حفاظت معماری لازم است تلقی از مکان‌های تاریخی به مثابه آنچه مواجه با تغییر است، تبیین گردد.

این در حالی است که تلقی ما از بناهای تاریخی و مواجهه‌شان با تغییر، بر اساس مبانی اندیشه‌ای عمیقی که در ضمن آن تلقی متناسب با مبانی فرهنگی ایرانی اسلامی از آثار تاریخی وجود داشته باشد، شکل نگرفته است. نگاه امروز ما به آثار تاریخی تا حد زیادی متأثر از نگاه اروپاییان به آثار تاریخی‌شان بوده است (حجت، ۱۳۸۰: ۳۳۴). اما از آن جا که فضای فکری و فرهنگی ایران امروز تا حد زیادی درآمیخته با فضای اندیشه و فرهنگ غربی است، دستیابی به اندیشه و نگاهی خودی در رجوع به بناهای تاریخی بدون شناخت و ارزیابی کامل و عمیق نظریاتی که در دنیای غرب در این خصوص مطرح شده، میسر نخواهد بود. از این رو لازم است پیش از هر چیز، تلقی‌های گوناگون از چیستی اثر معماری در اندیشه‌های مطرح در تاریخ حفاظت در غرب مورد تحلیل، نقد و ارزیابی قرار گیرد.

در این ارتباط، نوشتار حاضر در ابتدا با نگاهی تحلیلی و انتقادی به بررسی پیشینه تلقی‌های مختلف از مکان‌های تاریخی و مواجهه‌شان با تغییر می‌پردازد. پس از آن، با تکیه بر مبادی حکمی اسلامی، به مثابه یکی از پشتوانه‌های عمیق فرهنگی ایران، مبناهای نظری مواجهه مکان‌های تاریخی با زمان و تغییر، مورد شرح و تبیین قرار خواهد گرفت. با این هدف که تلقی متناسب با فضای فکری و فرهنگی ایران از بناها و بافت‌های تاریخی حاصل گردد.

لازم به ذکر است، در نوشتار حاضر، اصطلاح «مکان»، اقسام آثار معماری یا سکونت‌گاه‌های انسان‌ساخت، در مقیاس‌های مختلف از تک بناها تا مجموعه‌های زیستی وسیع‌تر همچون

بافت‌های شهری یا کل یک شهر را مورد اشاره قرار می‌دهد. از آن جا که حفاظت معماری، زیستگاه‌های ساخت بشر در مقیاس‌های مختلف را شامل می‌شود، کاربرد اصطلاحی که قابلیت اشاره به مقیاس‌های مختلف را داشته باشد، مفید و حتی ضروری به نظر می‌رسد.

در بحث از مواجهه مکان‌های تاریخی با تغییر، یکی از مهم‌ترین عوامل، نحوه تبیین «چیستی» مکان تاریخی است. در این ارتباط، در ادبیات حفاظت معماری برای اشاره به چیستی اثر معماری، تاکنون واژگان مختلفی مانند «حقیقت»، «ماهیت» و «هویت» مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، ویناس (۱۳۸۹: ۷۱) نگره‌های کلاسیک نگاهداشت را در پی حفظ یا آشکارسازی «حقیقت» اشیاء می‌داند. در این خصوص، نوشتار حاضر جهت اشاره به «چیستی مکان تاریخی از آن جهت که به عنوان یک امر مصداقی» با تغییر مواجه می‌شود، اصطلاح «هویت» را به کار می‌برد. در ادامه نوشتار، در بخش مربوط به تبیین «هویت مکان تاریخی»، معنای دقیق این اصطلاح مورد شرح خواهد بود.

روش پژوهش

تحقیق پیش‌رو، در ابتدا به ذکر و تحلیل دو دیدگاه غالب در مورد هویت مکان‌های تاریخی از جهت مواجهه با تغییر در تاریخ حفاظت معماری می‌پردازد. در این بخش، اطلاعات اولیه تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع مرتبط با تاریخ نظریه‌های حفاظتی حاصل شده است. پس از آن روشی تحلیلی-توصیفی در پیش گرفته شده است.

پس از آن، در بخش اصلی تحقیق، مبانی نظری «مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر»، از منظر حکمت اسلامی و به ویژه حکمت متعالیه به مثابه نظرگاه این تحقیق مورد شرح و تبیین قرار گرفته است. در این بخش، نظریات مطرح در حوزه حکمت اسلامی در خصوص «ماهیت و هویت اشیاء طبیعی» و همچنین، نظریه «حرکت جوهری»^۲ به مثابه نظریه‌ای برخاسته از حکمت متعالیه صدرایی، مبنایی برای تبیین بنیان‌های نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر قرار گرفته است. تحقیق حاضر در این بخش، دارای ماهیتی تحلیلی، فلسفی و با تکیه بر استدلال منطقی و روشی قیاسی است. اطلاعات اولیه این بخش، شامل نظریه‌های حکمی تبیین‌کننده هویت اشیاء و نیز مبحث تغییر و حرکت، از منابع فلسفی اسلامی تأمین شده است.

مروری بر تاریخ حفاظت معماری گویای آن است که حداقل دو دسته رویکرد نسبت به هویت مکان تاریخی از جهت مواجهه با تغییر وجود دارد. در ادامه، این دو دسته مورد اشاره خواهد بود؛

- رویکردهای قائل به هویت ثابت مدار

از رویکردهای عمده در فهم زمانمندی هویت مکان آن است که هویت، بر مدار امر ثابتی تعریف شود. در این رویکرد، بقاء یا استمرار هویت مکان تاریخی به عنوان یک هدف تعریف می‌شود. ضمن آن که شرط بقاء هویت، «بقاء امر ثابت در خلال تغییر» است؛ امر ثابتی که محور باقی و رشته استمرار هویت اثر دانسته می‌شود. در این ارتباط، در تاریخ حفاظت معماری، بخشی از تفاوت دیدگاه‌ها، بر خاسته از توجه به وجوه متفاوت از مکان تاریخی به مثابه امر ثابت در ضمن تغییر بوده است. در یک نگاه کلی، این رویکردها در دو دسته قرار می‌گیرند. دسته اول، رویکردهایی است که برخی از «ویژگی‌های منحصر به فرد و مصداقی» مکان را امری ثابت قلمداد نموده‌اند و دسته دوم رویکردهایی است که «ویژگی‌هایی نوعی» آن را امر ثابت دانسته‌اند. در این عبارت، منظور از ویژگی‌های مصداقی، ویژگی‌های مکان از آن جهت است که مصداقی منحصر به فرد است. مراد از ویژگی‌های نوعی نیز، ویژگی‌هایی از مکان است که منحصر به یک مکان خاص نیست و مشترک با مکان‌هایی دیگر می‌باشد. در ادامه، برخی از عمده‌ترین نظریات منسوب به دو دسته مذکور طرح می‌گردد.

از جمله رویکردهای متعلق به این گروه، رویکردی است که «ماده یا حقیقت مادی» را محور ثابت می‌داند. چنانچه حفاظت مدرن به ویژه در نیمه اول قرن بیستم، با این پیش فرض که «ماهیت حقیقی هر شیء بیشتر متکی به اجزای مادی آن است و با عقیده به وجود نیرویی ویژه در مواد اصلی یک شیء» آن هم به عنوان یک امر مصداقی و نه نمونه‌ای از یک ماده نوعی، به شناخت آن می‌پردازد (ویناس، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۵). «صورت» مکان، بعد دیگری از مکان به مثابه امری مصداقی است که بقاء آن در برخی از دیدگاه‌ها مبنای هویت‌مندی آن دانسته می‌شود؛ آن هم صورت مکان در یکی از مقاطع حیات آن. چه آن که صورت مکان از زمان خلق اولیه‌اش تا زمان شناخت آن به مثابه موضوع حفاظت، دائماً در تغییر و تحول است. صورت مکان بدین معنا، می‌تواند «صورت منتخب» خوانده شود. در برخی از نظریات، صورت منتخب، «صورت آغازین» مکان دانسته شده است. از این رو در جریان حفاظت، سعی بر آن

می‌گردد تا با جستجو در اسناد تاریخی، صورت اولیه مکان شناسایی و پس از آن بازسازی گردد (طیبیان، ۱۳۹۱: ۳۶). توجه به هویت مکان به مثابه آنچه دارای «هسته و جوهری هویت بخش» با مجموعه‌ای از لایه‌های هویتی است، یکی دیگر از نگاه‌هایی است که امری مصداقی را منشأ ثبات در هویت اثر قلمداد می‌کند. اندیشه‌ای مبتنی بر این نظر که هویت مکان ضمن دارا بودن لایه‌های هویتی متغیر، از هسته و جوهری ثابت برخوردار است. مرآز آویلا (2008: 177-178) ضمن بررسی زمانمندی معماری در نظریات براندی، تلقی وی از حضور اثر هنری در بستر زمان را منطبق بر این نظریه می‌داند. (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۲۵۵؛ ۱۷۹؛ Meraz, 2008: 179). در نگاهی دیگر، در نتیجه توجه به استقرار ناگزیر مکان در یک بستر یا محیط، عامل هویت‌بخش مکان، «پیوند آن با محیط پیرامون» دانسته می‌شود (طیبیان، ۱۳۹۱: ۳۵؛ Rab, 1997: 211). سایر اجزاء یا ابعاد دیگر یک اثر نیز گاه از این منظر مورد توجه بوده است. از جمله ویژگی‌های فنی، دانش ساخت، کارکرد مکان و یا بعد بیانی مکان که در نتیجه تأکید بر توانایی مکان در انتقال پیام از زمانی به زمان دیگر، گاه عاملی هویت ساز تلقی گردیده است.

از نگاهی دیگر محور ثابت هویت‌بخش مکان، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اندازه‌های نوعی دانسته می‌شود؛ اما در این مورد نیز، بر حسب آن که چه مجموعه‌ای از اندازه‌های نوعی، امر ثابت دانسته شده، نگاه‌های متعددی قابل شناسایی است. در این بین، یکی از شاخص‌ترین نظام‌های اندازه‌ای که در تاریخ حفاظت معماری رشته تداوم هویت مکان دانسته شده، «سبک‌ها و مکاتب تاریخی» است؛ سبک؛ بدین معنا، مشتمل بر قواعد و در مجموع، «نظامی ناظر به فرم، ساختار و عملکرد بنا» است (Le duc, 1996: 314). سبک یا همان مجموعه‌ای هماهنگ از اصول ساخت، اگرچه امری است متغیر در زمان، اما نسبت به مصداق معماری از ثبات و کلیت بیشتری برخوردار است؛ مرحله‌ای در جریان تغییر و پیشرفت تدریجی نظام ساخت که می‌تواند یک «موقف یا منزل تاریخی» دانسته شود.

محوریت فاعل و خالق اثر و ویژگی‌های منسوب به وی و آنچه می‌تواند همچون ویژگی‌های سبکی، منشأ اندازه‌ها و ویژگی‌های نوعی اثر دانسته شود، قسمی دیگر از رشته‌های تداوم اثر دانسته شده است. در نگاهی دیگر که مشخصه منشورها، بیانیه‌ها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با حفاظت آثار تاریخی پس از منشور ونیز و به طور مشخص، نگاه پسامدرن^۳ به آثار تاریخی به‌شمار می‌رود، اثر تاریخی به مثابه ظهوری از «ارزش‌های فرهنگی و زمینه‌ای» دانسته می‌شود.^۴ از جمله این اسناد، سند نارا به عنوان سندی منتشر شده از

سوی ایکوموس^۵ ژاپن در سال ۱۹۹۴ است که آثار تاریخی را در بستری از فرهنگ‌ها و ارزش‌های فرهنگی متنوع به مثابه خاستگاه آثار می‌شناسد (ICOMOS, 2013).

کریستوفر الکساندر (۱۳۸۱) منشأ ثابت در هویت مکان را الگوی رویدادها و مناظر با آن، الگوهای ناظر به کالبد مکان می‌داند. الگوهایی که خود، مبتنی بر مجموعه‌ای از نظم‌های ثابت شکل گرفته‌اند. الکساندر ریشه این نظم‌ها را به ویژه، آن‌گونه که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های بومی شکل گرفته‌اند، نظم‌های موجود در طبیعت می‌داند. نظم‌های ثابت به تعبیری دیگر در اندیشه یونانی در دوران باستان، از مهم‌ترین مآخذ معماری یا ساخته‌های انسانی که با نام کلی تخنه از آن یاد می‌شود، تلقی می‌گردد. این نظم‌ها «نوعی ایده آل مورد رجوع معماری‌اند و معمار سازنده هم همواره در پی تقلید و بازنمایی آن‌هاست.» (Papageorgiou, 1971: 37-38)

– رویکردهای قائل به هویت فرایندی و تاریخمند

از منظری دیگر، هویت مکان امری سراپا تغییر و فارغ از محوری ثابت (نوعی یا مصداقی) تلقی می‌گردد. از این رو از پس تغییرات حادث در دوره‌های تاریخی موضوع شناخت قرار می‌گیرد. بدین معنا، تمامی تغییراتی که مکان در طول زمان حیاتش می‌یابد، به عنوان جزئی از هویت آن پذیرفته می‌شود. هویت مکان از این منظر می‌تواند «هویت فرایندی» خوانده شود؛ از آن جهت که «فرایند تاریخی» مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری آن است. مراز اوپلا (2008: 168) در تبیین موجودیت فرایندی به مثابه شکلی از حضور معماری در بستر زمان، رویکرد راسکین^۶ به مثابه آغازگر جنبش حفاظت مدرن به معماری را منطبق بر چنین تفسیری از زمانمندی هویت معماری اعلام می‌نماید. این نگاه، همچنین در مکتب معروف به «مرمت فیلولوژیک»^۷ دیده می‌شود؛ که بر طبق

آن، یادمان تنها به ساختمان اولیه محدود نیست و تمامی تغییرات بعدی و افزوده‌ها را به یک میزان از اهمیت در بر می‌گیرد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۲۲۳). در نگاه قائل به هویت فرایندی تنها شرط یا عامل بقاء هویت، پیوستگی و تدریج در تغییر است. در این جا، پیوستگی به معنای «ارتباط شناخت‌پذیر مکان در هر لحظه، به لحظه قبل» است. آنچه به تعبیری، «پیوستگی داستان‌وار یا پیوستگی یک حکایت به نمایش درآمده» خوانده شده است (برومر، ۱۳۸۰: ۴۳). به عبارتی، عامل مهم در استمرار هویت مکان، هم‌پوشانی زنجیروار رویدادها نسبت به یکدیگر است.

– جمع‌بندی پیشینه پژوهش

بر طبق آنچه گذشت، در تاریخ حفاظت معماری در دو قرن اخیر، گاه هویت مکان‌های تاریخی امری ثابت‌مدار دیده شده است. در بین رویکردهای متعلق به این گروه، عده‌ای ثبات در ویژگی‌های مصداقی و برخی نیز ویژگی‌های نوعی مکان را امر ثابت یا لازم به حفظ دانسته‌اند. گذشته از قائلان به هویت ثابت‌مدار، برخی، فارغ از هرگونه توجه به امری ثابت، برآیندی از تحولات و تغییرات مکان‌ها در نتیجه گذار از دوره‌های تاریخی را سازنده هویت اثر دانسته‌اند.

تحقیق حاضر پس از مرور بر پیشینه رویکردها و نظریه‌ها، با این مسأله که رویکردها و نظریه‌های مورد ذکر در بستر فرهنگی و عالم غربی شکل یافته‌اند که لزوماً نمی‌تواند هماهنگ یا هم‌سخن با فرهنگ ایرانی اسلامی دانسته شود، به جستجوی پاسخ این سوال با تکیه بر بنیان‌های نظری اسلامی می‌پردازد. سوالی که فرهنگ غربی دیربست به پاسخ آن می‌اندیشد و در آنچه تا این بخش از نوشتار ارائه گشت، برخی از پاسخ‌های ارائه شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. اکنون در ادامه این نوشتار، بنیان‌های حکمی اسلامی مبنایی برای تبیین



تصویر ۱. نمودار اقسام رویکردها به مواجهه هویت مکان تاریخی با تغییر در تاریخ حفاظت معماری (نگارندگان)

مبناهای نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر قرار خواهد گرفت (تصویر ۱).

در تبیین هویت اشیا و مواجهه‌شان با تغییر از منظر تحقیق

بر مبنای حکمت متعالیه و تلقی اصالت وجودی‌اش از هویت اشیا در عالم طبیعی، حقیقت هر شیء، «وجود خاص آن شیء» است (مطهری، ۱۳۶۶-ب: ۴۶-۴۸). ضمن آن که وجود خاص دارای محدودیت و بنابر محدودیت، برخوردار از چیستی، اندازه و حد است (ندیمی، ۱۳۸۶-ج: ۸۴). از سویی، در ادبیات حکمی، جهت اشاره به چیستی اشیا، عموماً دو اصطلاح «ماهیت» و «هویت» به کار برده می‌شود. در این عبارت، ماهیت عبارت است از حیثیت کلی از چیستی شیء و آنچه تنها در جهان تعقل به صورت خاص و تفکیک شده از سایر ویژگی‌ها و وجوه قابل دستیابی است. هویت نیز به معنای چیستی شیء است از آن جهت که به صورت فردی و مصداقی در جهان عینی و همچون واقعیتی بیرونی موجود است. بدین معنا، جستار در هویت یک شیء، در حقیقت، جستار در وجود خاص آن شیء است از آن جهت که امری مصداقی و نیز اندازه‌مند است و در واقع، به معنای پرسش از اندازه‌های آن شیء است.

ضمن آن که هویت اشیا مادی به معنایی که گفته شد، ناگزیر با تغییر نیز مواجه است. از این‌رو لازم است به فهم و تبیین اندازه‌های هر شیء از آن جهت که با تغییر مواجه است، پرداخته شود. اما پیوند ناگزیر مباحث مربوط به تغییر در اشیا با عمیق‌ترین مباحث طرح شده در فلسفه حرکت و تغییر در نظام‌های اندیشه فلسفی، ایجاب می‌دارد تا تفسیر ماجرای مواجهه اشیا با تغییر نیز به تناسب نظام اندیشه مختار این تحقیق، با استمداد از فلسفه صدرایی و نظریه حرکت جوهری‌اش صورت پذیرد.

حکمت متعالیه صدرایی، نحوه بودن موجودات مادی و طبیعی را اساساً بوندی «تدریجی و سیال» می‌داند. (سروش، ۱۳۸۴: ۳۷). همان‌طور که در طبیعت، تمامی اشیا و پدیده‌ها در تغییر مدام‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۶۲). بدین‌قرار، وجود خاص و بالفعل اشیا در صیورورت مدام است. از این‌رو، در هستی بالفعل اشیا همانند ارسطویان، جوهری فردی و ثابت (ارسطو، ۱۳۷۷: ۲۶۳؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۱۶۸) جستجو نمی‌گردد. چه آن که اگر جوهر فردی هم برای شیء مادی تصور گردد، همان جوهر فردی نیز در صیورورت و تغییر مدام خواهد بود (ملاصدرا، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۵۶). از این‌رو نمی‌تواند محور ثبات در جریان صیورورت شیء باشد.

ضمن آن که از نتایج مهم سیالیت و در تغییر مدام بودن اشیا مادی آن است که ماهیت بالفعل ندارد. بنابراین که در صیورورت و تغییر مدام‌اند. چنان‌چه صدرالدین می‌گوید: «هر شیء در حال حرکت ماهیت [بالفعل] ندارد، [...] از باب اینکه حد ثابت ندارد و همیشه در میان حدود لغزان است.» (مطهری، ۱۳۶۶-ب: ۱۳۰) نتیجه آن که هر شیء مادی از آن جهت که امری مصداقی و متعلق به ماده است، اساساً نمی‌تواند بقاء و دوامی در هویت داشته باشد.

نکته مهم آن که در نظام اندیشه صدرایی «نحوه وجود» خاص شیء طبیعی، اندازه‌مندی یا قانونی ثابت و ناظر به محدوده وجودی آن شیء دانسته می‌شود. چنانچه صدرالدین می‌گوید: «حقیقت هر چیزی عبارت است از خصوصیت وجودش که برایش ثابت می‌باشد.» (ملاصدرا، ۱۳۸۴-الف: ۴۰) آنچه موضوع باقی و محور ثبات و قرار در صیورورت و تغییر آن شیء است. نحوه وجود خاص یک شیء، بدین معنا، صورت نوعیه یا عین ثابت یا همان اندازه‌مندی‌های مندرج در حقیقت آن شیء و قانونمندی حاکم بر آن است (ملاصدرا، ۱۳۸۴-ب: ۳۴۹). از این منظر، در مجموع عالم ماده، امر ثابت، همان قوانین و قواعد به مثابه تعیین ثبات حقیقت مثالی اشیا در عالم ماده است (نصر، ۱۳۸۵-الف: ۹۶). ضمن آن که بدین ترتیب، صورت نوعیه یا قانون مندی حاکم بر هر نوع از موجودات طبیعی، از اهمیت بیشتری نسبت به مصداقی فردی از آن موجود برخوردار است. چنانچه هدف طبیعت، نه بقاء فرد، که بقاء نوع دانسته شده است (مطهری، ۱۳۶۶-الف: ۲۳۰).

پرسش از تغییر در هویت مکان تاریخی: «تغییر آزاد» یا «تغییر اندازه‌مند»

اما موضوع فلسفه صدرالدین در بحث از حرکت و تغییر، عموماً نظام تغییر در اشیا طبیعی است. بدین سبب لازم است پرسیده شود، در مکان تاریخی از آن جهت که اراده آدمی نیز در چگونگی‌های آن دخیل است، چه قانونمندی‌ای می‌تواند یا باید بر صیورورت و تغییر، حاکم باشد. آیا باید مکان تاریخی را به مثابه هویتی در تغییر مدام پذیرفت؟ ضمن آن که اگر این تغییر مدام در هویت پذیرفته شود، آیا به هر سمت و سویی می‌تواند باشد؟ به عبارت دیگر، چه نسبتی میان هویت مکان، قبل و بعد از تغییر باید باشد؟ پرسش دیگر آن که اگر امکان «بقاء هویت» مکان تاریخی به معنای دقیق آن وجود ندارد، آیا امکان «تداوم» یا «استمرار» هویت مکان تاریخی در ضمن تغییر نیز وجود ندارد؟ هر چند که پیش از آن باید از ضرورت استمرار هویت مکان در ضمن تغییر پرسید و اگر امکان و ضرورت این استمرار وجود دارد، این که چگونه

می‌تواند محقق گردد. اگر این استمرار هویت منوط به ثبات (نسبی) در برخی از مشخصه‌های مکان تاریخی باشد، این مشخصه‌ها کدامند؟ اگر بر فرض آن چه گفته شد در خود مکان، نمی‌توان به دنبال اندازه یا مشخصه‌ای گشت که بتواند ثابت بماند، پس مبنای ثباتی که برای استمرار هویت نیاز است را در کجا باید جست؟^۸

توضیح، آن که انسان مکان‌ساز از آن جهت که صاحب اختیاری نسبی در صورت بخشیدن به مکان یا تغییر و تصرف در آن است، می‌تواند در ضمن تغییر، هر مکان موجود و از جمله هر مکان تاریخی را از کلیت منسجمی که هویت قابل تشخیصی به آن بخشیده است، خارج سازد. چنانچه وضع جدید مکان تاریخی نتواند در ویژگی‌هایی که در هستی آن مکان، بنیادین دانسته شود، اشتراکی با وضع پیشین آن داشته باشد. این تغییر که می‌تواند «تغییر آزاد» خوانده شود، تنها قانونی که لاجرم بر آن حاکم خواهد بود، قوانین کمی و مادی طبیعت است. قوانینی که انسان مکان‌ساز، گریزی از آن ندارد و ناگزیر در ذیل آن به خلق یا تصرف در صورت‌های متعلق به ماده می‌پردازد.

اما این که این تغییر، در ذیل قوانین یا اندازه‌مندی‌هایی کلی‌تر صورت پذیرد، امری است که به نظر می‌رسد، باید و نباید آن لازم است در یک نظام اندیشه کلی‌تر معین گردد. همان‌طور که اندیشه‌های مختلف طرح شده در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت استمرار هویت مکان‌های تاریخی در تاریخ حفاظت معماری، هر کدام بر نظام اندیشه‌ای کلی‌تر تکیه داشته‌اند. در این مجال و در جهت پرداختن به نظام اندیشه کلی‌ای که این ضرورت با تکیه بر آن تعیین گردد، لازم است در نظام‌های اندازه‌مندی موجود در **فردا است** مکان تاریخی، تأملی صورت پذیرد.

جستجو در نظام‌های اندازه‌ناظر به هویت مکان تاریخی

در جریان جستجوی نظام‌های اندازه‌ناظر به محدوده وجودی مکان تاریخی، یکی از اولین نظام‌ها، «نظام اندازه‌های مصداقی» مکان تاریخی است. هر مکان تاریخی از آن جهت که کلیتی دارای تشخیص است، از اندازه‌هایی برخوردار است که بنابر انسجام کلی حاکم بر آن، می‌تواند نوعی «نظم» حاکم بر اندازه‌های مصداقی مکان تاریخی دانسته شود. نظم مصداقی مکان تاریخی بدین معنا، قانون‌مندی خاص حاکم بر هویت مکان تاریخی یا اگر بتوان گفت، نحوه وجود خاص آن مکان تاریخی است.

اگرچه اندازه‌های مکان تاریخی، از آن جهت که بالفعل است، در تغییر و سیورورت مدام است؛ ضمن آن که به طور کامل

قابل احصاء و قرائت نیست. چنانچه فلاسفه تعریف به حد تام شیء را به معنای تعریفی که به کنه ذاتیات شیء پی برد و اجزاء ماهیت یا همان اجناس و فصول آن را به طور کامل بیان دارد، بسیار مشکل دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۸۱- الف: ۴۸-۴۳)؛^۹ یا چنانچه ارسطو (۳۰۸:۱۳۷۷) جوهر فردی را قابل شناخت دقیق نمی‌دانست؛ یا آن گونه که صدرالدین، علم به حقایق اشیاء را امری ناممکن می‌دانست (ملاصدرا، ۱۳۸۱- الف: ۲۴۹).

از این رو، هویت و اندازه‌های مکان تاریخی از آن جهت که امری مصداقی است، از ابهام و نسبیتی برخوردار است که غالباً پای تفسیرها و قرائت‌های مختلف و غیر قابل جمع را به میان می‌کشد. آنچه موجب می‌گردد، نظم مصداقی مکان تاریخی نیز امری تفسیرپذیر و تا حدی مبهم باشد (تا آن جا که آن دسته از نظریه‌پردازان حفاظت که مبنای تشخیص مکان‌های تاریخی را ویژگی‌های مصداقی دانسته‌اند، در نسبت میان ویژگی‌های مختلف مصداقی با چالش‌هایی جدی مواجه بوده‌اند. چنانچه هر کدام، بخشی از ویژگی‌های مصداقی را مبنای قرار داده‌اند).

اما آن چه در این مجال ضروری به نظر می‌رسد، تأکید بر این نکته است که هویت مکان تاریخی از آن جهت که یک کل واحد است، قابل تفکیک و تمایز «دقیق» از سایر هویت‌ها و محیط پیرامونش نیست. چه آن که هر مکان در عین آن که یک کل واحد است، به مثابه یک جزء در بستر و زمینه‌ای از عالم پیرامونی قرار می‌گیرد. از این رو اندازه‌های هر مکان با اندازه‌های زمینه به شدت مرتبط با یکدیگرند.

علاوه بر آن، بنابر آنچه فیلسوفان حکمت متعالیه در تفسیر وحدت و کثرت در عالم پیرامون قائلند، «موجودات و هستی‌های عینی متمایز، بنابر وحدت و اشتراکشان در وجود، دارای مابه‌الاشتراک عینی‌اند» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۰۵). آن چه در مجموع، موجب وجود اندازه‌هایی مشترک در میان اشیاء و موجودات عالم طبیعت شده‌است، بدین ترتیب اگر زیستن‌ها و ساختن‌های انسان هم در هماهنگی با نظام مندرج در هستی عالم باشد، اندازه‌های مشترک در ساخته‌های انسانی هم جاری خواهد شد. از این رو در مجموع، لازم است هویت مکان تاریخی، نه به خودی خود، بلکه در بستری از محیط پیرامون و اندازه‌مندی‌هایش مورد فهم و شناسایی قرار گیرد^{۱۰} و به تبع آن، ضروری است اندازه‌مندی‌ها یا اگر بتوان گفت، «نظام‌های اندازه‌مندی زمینه» که انسان در بستر آن‌ها به تقدیر اندازه‌های مکان می‌پردازد، مورد تأمل واقع گردد.

اندازه‌های زمینه‌ای که مکان در بستر آن واقع می‌شود، از لایه‌ها و سطوح مختلفی برخوردار است. یکی از این لایه‌ها، اندازه‌های «فرهنگی» به مثابه اندازه‌هایی است که به تدریج و در ضمن حیات جمعی انسان‌ها حاصل آمده

قاعده‌مندی‌های نظام طبیعت بهره‌مند باشد. بدین معنا، هر موجود به میزان انطباق بر قاعده‌مندی‌های ناظر به محدوده وجودی‌اش امکان حیات و بقا به مثابه یک فرد می‌یابد. بنابر آن که تنها یک منشأ حیات به مثابه حیات مطلق وجود دارد و آشکارگی‌اش در عالم نیز از طریق ممکناتی که لاجرم از ماهیتی برخوردارند، تنها به واسطه نظام ماهیات یا اعیان ثابت‌های است که منشأ و مرجع نظم‌های طبیعی به شمار می‌روند. (قیصری، ۱۳۸۷: ۴۲) بدین‌قرار، ظهور حیات در عالم طبیعت ممکن نخواهد شد، مگر از طریق آنچه ماهیتی منطبق با نظام ماهوی یا نظم‌های ثابت عالم طبیعت داشته باشد. بدین‌اعتبار، مکان‌های ساخت انسان نیز به میزان انطباق بر اندازه‌های طبیعی ناظر به محدوده وجودی‌شان، از شدت حیات و وجود بالاتری برخوردار می‌شوند. همان‌طور که به میزان انطباق بر قواعد کمی و مادی طبیعت، بقاء فیزیکی طولانی‌تری می‌یابند. به همین‌نحو، تحقق مادی مکان ممکن نخواهد بود، مگر آن که از حداقل انطباقی بر قوانین مادی ناظر به مکان برخوردار باشد.

ضمن آن‌که نظام اندازه‌های طبیعی، بستری فراهم می‌سازد برای طی نمودن طریق کمال و پیوستن وجودهای خاص و محدود به دامان وجود مطلق. نظم‌ها یا همان قواعد و سنت‌های طبیعی، در عین آن‌که از حقیقتی واحد صادر گردیده، مسیر بازگشت انسان به آن حقیقت واحد نیز هست. (نصر، ۱۳۸۵- الف: ۱۰۲) بدین‌اعتبار، اندازه‌های طبیعی، راه‌نمای انسان در چگونگی‌های زیستن و ساختن است. در مجموع، نظام اندازه‌ها یا قاعده‌مندی‌های طبیعی، واسطه تحقق حیات و استمرار آن است. ضمن آن‌که موجب آشکارگی کیفیت‌های وجودی و نیز مهیا نمودن بستری برای بازگشت انسان به دامان هستی بخش است.

اما نظم‌های فرهنگی، نتیجه دوره‌های کم و بیش طولانی زمان و اندوخته شدن تجربه‌های بشری در پاسخ به مسأله‌ها و نیازهای پیش‌رو در ضمن زیستن و ساختن است. به‌ویژه اندازه‌های مندرج در الگوهای فرهنگی دوران پیش از تجدد که به نظر می‌رسد تا حد زیادی بر قواعد طبیعی ناظر به محدوده وجودی مکان منطبق‌اند و به همین سبب آشکار ساز نظم‌های طبیعی ناظر به محدوده وجودی مکان‌اند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۶). اگرچه این انطباق همواره نسبی است و بدین‌جهت رجوع به نظم‌های فرهنگی، انسان مکان‌ساز را از رجوع به نظم‌های طبیعی بی‌نیاز نمی‌کند. بدین‌معنا، اعتبار نظم‌های فرهنگی ناظر به مکان تاریخی به درجه انطباق آن‌ها بر نظم‌های طبیعی ناظر به محدوده وجودی مکان تاریخی است.

در نهایت، درخصوص نظام اندازه‌های مصداقی مکان تاریخی

است. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۵) آنچه در ادبیات هنر در دوره جدید با عنوان «سبک» خوانده شده یا «سنت‌ها» به معنای آداب و رسوم فرهنگی یا الگوهای مورد نظر الکساندر (۱۳۸۱) از جمله اندازه‌های فرهنگی است.

اما انسان پیش از آن‌که به تقدیر اندازه‌های فرهنگی بپردازد، در بستری از اندازه‌مندی‌های طبیعی قرار می‌گیرد. در این‌جا مراد از اندازه‌مندی‌های طبیعی، اندازه‌مندی‌های مندرج در ذات یا حقیقت اشیاء و موجودات طبیعی است که بنابر آنچه پیش از این گفته شد، همچون قانونی ثابت و زیرنقشی برقرار در پس تغییر و تحولات طبیعی قرار دارد. بدین‌معنا، هستی پیش روی انسان، حقیقتی است اندازه‌مند که در آن، بنیان‌ها، قواعد یا اندازه‌هایی ثابت می‌توان یافت. (ندیمی، ۱۳۹۳: ۱۴) کلام وحی از این قوانین به «سنت‌های بی‌تبدیل و بی‌تحویل الهی» یاد نموده است.^{۱۱} در این ارتباط، قوانین مادی طبیعت مرتبه‌ای از سنت‌های الهی است (نصر، ۱۳۸۵- ب: ۱۳۵).

در این بین، اندازه‌های فرهنگی بنابر تغییرات دائمی اجتماعات انسانی، امری متغیر است، اگرچه به‌ویژه در دوران پیش از مدرن، این تغییرات از روندی آرام برخوردار بوده است. اما اندازه‌مندی‌های مندرج در هستی موجودات طبیعی، ثبات بالاتری دارد. تا آن‌جا که لایه‌هایی از اندازه‌ها و قواعد عالم طبیعت، نسبت به تغییرات جاری در هویت بالفعل موجودات طبیعی، محور ثابت و برقرار هویتی دانسته شود (کرباسی، ۱۳۸۹: ۹۰). در مجموع، نظام اندازه‌های فرهنگی و طبیعی بنابر ثبات نسبی کم‌وبیش موجود در آن، می‌تواند «نظم‌های فرهنگی» و «نظم‌های طبیعی» خوانده شود. بدین‌ترتیب، اندازه‌های بالفعل و مصداقی و دائم‌التغییر هر مکان تاریخی در ذیل حداقل، سه نظم یا نظام اندازه قرار می‌گیرد: «نظم‌های مصداقی»، «نظم‌های فرهنگی» و «نظم‌های طبیعی».

- در منزلت نظام‌های اندازه مورد ذکر

بر طبق آنچه ذکر شد، لزوم یا عدم لزوم قانونی که بر نحوه سیورورت مکان تاریخی حاکم باشد، باید در ذیل نظام اندیشه‌ای کلی‌تر صورت پذیرد؛ نظام اندیشه‌ای که منزلت مکان تاریخی و اندازه‌های مصداقی‌اش و نیز منزلت سه مرتبه نظم مورد اشاره پیشین در ذیل آن تبیین گردد.

بر طبق نظام اندیشه اسلامی به مثابه نظام اندیشه مختار این تحقیق، در میان نظام‌های اندازه مورد ذکر، نظام اندازه‌ها و قوانین ثابت طبیعی، واسطه سریان وجود در موجودات است. (نصر، ۱۳۸۵ الف: ۹۷) چنانچه هیچ موجودی نمی‌تواند از حیات برخوردار باشد، مگر آن‌که از حداقل انطباقی بر

باید گفت که بنابر وحدت و یکتایی وجود مطلق، وجودهای محدود، فارغ از نسبتی که با مبدأ وجود دارند، موضوعیت مستقلی نمی‌یابند^{۱۲} (ملاصدرا، ۱۳۸۴: ب: ۳۵۹). بدین ترتیب، نظم‌های مصداقی و منحصر به فرد هر مکان تاریخی نیز که از حد وجودی آن برخاسته است، فارغ از نسبتی که با مبدأ وجود و اندازه‌مندی‌های صادره از آن (قوانین عالم طبیعت) می‌یابد، نمی‌تواند از اهمیت بالذاتی برخوردار باشد.

در این ارتباط، از مهمترین منزلت‌های نظم مصداقی مکان، هم-آهنگی با نظم‌ها و قوانین جاری در هستی و بدن واسطه، مظهریت این نظم‌ها و قوانین - از آن جهت و تا بدان حد که مجالی برای تحققشان بوده است - خواهد بود (تصویر ۲). بنابر آن که در نظام طبیعی نیز، اعتبار موجودات به مظهریت وجود است (ملاصدرا، ۱۳۸۴ - ب: ۳۵۹). موجودات از طریق بودن بر مدار اندازه‌های وجودی‌شان مظهریت وجود می‌یابند. در اندیشه صدرایی، عالم، مظهر اسماء الهی و انسان نیز «از حیث ذات، صفات و افعال و در تمام شئون وجودی خویش، ظهور و مظهریتی از اسمای حسناى الهی است؛ در نتیجه هنر و صنایع لطیفه نیز از این قاعده کلی و فراگیر مستثنا نیست»^{۱۳} (امامی جمعه، ۱۳۸۸: ۶۲).

ضمن آن که هر مکان بنابر محدودیت وجودی‌اش، نحوه‌ای خاص از انطباق نسبی بر اندازه‌مندی‌ها و قاعده‌مندی‌های

طبیعی خواهد داشت و بدان پایه، مظهریت ویژه‌ای از امکان‌های وجودی می‌یابد. چنانچه در نظام طبیعی، موجودات از طریق فعلیت یافتن و تحقق اندازه‌های بالقوه مندرج در وجود خاصشان، وجهی از صفات و ویژگی‌های وجود مطلق را باز می‌تابانند (ابن عربی، ۱۳۸۲: ۹). دیگر آن که مکان انسان ساخت نیز به مثابه آفرینش انسانی که ضرورتاً لازم است در تداوم آفرینش‌های طبیعی باشد، به واسطه تحقق اندازه‌مندی‌های طبیعی، بستری هموار برای زیستن انسان در ضمن حرکت استکمالی‌اش خواهد بود (ندیمی، ۱۳۹۳: ۱۷).

پر واضح است که هویت مکان‌های تاریخی، بدین اعتبار، از ارزش‌های کم‌وبیش برخوردار می‌شوند. از این رو، برخی از مکان‌های تاریخی، بنابر مظهریت ویژه‌ای که برای قوانین و سنت‌های حیات‌بخش طبیعی دارند، می‌تواند «هویت‌های ویژه» (مصداقی) دانسته شود. در این میان، الگوها و اندازه‌های فرهنگی نیز تا آن جا که منطبق بر قاعده‌مندی‌های طبیعی‌اند، می‌توانند موضوعیتی برای آشکارگی و بیان در هستی مکان تاریخی بیابند. در مجموع، در نسبت نظم‌های طبیعی، فرهنگی و مصداقی نیز اصالت با نظم‌های طبیعی خواهد بود. چنانچه نظم‌های فرهنگی و مصداقی اعتبار خود را از انطباق بر نظم‌های طبیعی می‌یابند.



تصویر ۳. نمودار رابطه میان اندازه‌های (متغیر) مکان تاریخی با نظم‌های ناظر به آن در شکل محقق در غالب مکان‌های تاریخی (نگارندگان)



تصویر ۲. نمودار رابطه میان اندازه‌های (متغیر) مکان تاریخی با نظم‌های ناظر به آن در شکل ایده‌آل (نگارندگان)

اندازه‌مندی‌های مکان تاریخی در بستر تغییر

بر اساس آن چه گذشت، هر مکان تاریخی، از آن جهت که امری مصداقی و صورتی متعلق به ماده است، در بستر زمان واقع شده و اساساً نمی‌تواند از بقاء و مانایی برخوردار باشد. بدین قرار، وجوه مصداقی همچون ماده، صورت یا کارکرد مکان حتی در صورت حفاظت ویژه نمی‌تواند از ثباتی واقعی در طول زمان برخوردار باشد. همچنین در میان نظم‌های مورد اشاره، نظم مصداقی مکان تاریخی نیز، فارغ از نسبتی که با نظم‌های فرهنگی و طبیعی دارد، نمی‌تواند به مبنایی ثابت و ناظر به نحوه‌ی سیورورت مکان تاریخی تبدیل گردد. بنابر آن که نظم مصداقی مکان تاریخی، فارغ از نظم‌های فرهنگی و به ویژه نظم‌های طبیعی شاملش، موضوعیت مستقل و لازم به حفظی نمی‌یابد. ضمن آن که به همین دلیل نمی‌تواند به خودی خود، هدفی برای حفظ دانسته شود؛ هر چند که این حفظ و بقا امری نسبی و تقریبی باشد.

نظم‌های فرهنگی نیز بنابر اصالت وجود مطلق و نظامات صادره از آن، فارغ از مراتب عالی‌تر از نظم (از جمله نظم‌های طبیعی)، نمی‌تواند از بقا و مانایی برخوردار باشد. چرا که جدای از ثوابت حقیقی و خارج از زمان، ثابت دیگری نمی‌تواند در عالم هستی موجود باشد. به عبارتی، سبک‌ها یا همان خرده‌نظام‌های تاریخی ساخت و ساز و ارزشها و سنت‌های فرهنگی که صبغه‌ای سرزمینی و نیز زمانمند دارند، اگرچه در دوران پیش از مدرن، عموماً در سایه اندازه‌مندی‌ها و نظم‌های بی‌زمان عالم شکل یافته‌اند، اما به عنوان یک امر زمانمند و مکانمند، نمی‌توانند جایگزین منشأ و مرجع بی‌زمان و بی‌مکان خود گردند.

بدین‌قرار اگر در هستی مکان تاریخی، اندازه‌های مصداقی هماهنگ با اندازه‌مندی‌ها و قواعد طبیعی ناظر به محدوده وجودی آن مکان نبود، ضرورتی به حفظ یا بقاء آن اندازه مصداقی نیست. حتی اندازه‌های مصداقی اگر منطبق بر نظم‌ها یا الگوهای فرهنگی هم بود، اما آن الگوی فرهنگی، هماهنگ با نظام قواعد طبیعی ناظر به محدوده وجودی آن مکان نبود، باز هم ضرورتی به حفظ یا بقاء آن اندازه مصداقی نخواهد بود (تصویر ۳)؛ بنابر اصالت قواعد طبیعی ناظر به هستی مکان بر قواعد فرهنگی ناظر به هستی آن مکان، آن جا که در تعارض با هم قرار می‌گیرند. ضمن آن که در مجموع، در میان اندازه‌های مصداقی و الگوها، نظم‌ها و قوانینی که ناظر به این اندازه‌هاست، بنابر اصالت وجود بر موجود (مطهری، ۱۳۶۶ - الف: ۲۳۰)، اصالت با قوانین و قواعد است.

بدین‌معنا استمرار هویت مکان تاریخی چه جایگاهی می‌یابد؟ به اعتبار آنچه گذشت، استمرار هویت در تعریف فرایندی‌اش به معنای ارتباط شناخت‌پذیر هویت مکان قبل و بعد از تغییر است. این نوع از استمرار هویت، هیچ امر یا قانون ثابتی را ناظر به مسیر کلی تغییر، حاکم و ناظر نمی‌داند. استمرار هویت به معنای ارسطویی نیز، منوط به بقاء جوهر فردی شیء در ضمن تغییر است. اما از نگاه این تحقیق، به اعتبار آنچه گذشت، از دو گونه استمرار هویت می‌توان سخن گفت:

- استمرار هویت به شکل طبیعی

بنابر آنچه گفته شد، بر مبنای فلسفه صدرایی، استمرار هویت اشیاء، به معنای بقاء در «قانون‌مندی» حاکم بر وجود خاص (یا هویت و اندازه‌های مصداقی) شیء است. بر این اساس، هویت موجودات مادی در عین تغییر و سیورورت مدام، امری «ثابت‌مدار» است. این امر ثابت، که حقیقتی اندازه‌مند و «وجه ثابت» در جریان تعیین زمانمند شیء است، چنانچه اشاره شد، «نحوه وجود خاص شیء» یا همان «صورت نوعیه»، «عین ثابته» یا «ماهیت» شیء است. بدین‌قرار به عنوان قاعده کلی، هویت‌های مادی از جمله مکان‌ها، از آن جهت که مصداق‌اند، بقاء فیزیکی و مادی نمی‌توانند داشته باشند؛ از این رو بقاء فردی و مصداقی‌شان نمی‌تواند به یک هدف تبدیل شود. چنانچه، مصداقی از مکان‌ها می‌توانند حذف و با مکان‌هایی دیگر جایگزین شوند. در این صورت، آن چه مهم است تداوم در انطباق بر نظام اندازه‌مندی‌های طبیعی است. از این رو، استمرار هویت مکان تاریخی نیز از آن جهت که امری مصداقی و

منحصر به فرد است، مستقیماً نمی‌تواند به یک هدف تبدیل شود. بدین معنا، استمرار هویت مکان تاریخی، نتیجه فرعی رجوع مکرر و دائم به نظام قواعد و اندازه‌های طبیعی ناظر به محدوده وجودی آن مکان تاریخی خواهد بود.

- استمرار هویت به شکل ویژه

پیش از این، برخی از مکان‌های تاریخی، «هویت‌های ویژه» خوانده شد. بنابر آن که نظم‌های مصداقی شان به‌نحو ویژه یا بی‌تکرار یا لاقط کم‌تکراری، مظهر اندازه‌مندی‌های ثابت و قوانین و سنت‌های جاری در هستی‌اند. در این گونه مکان‌های تاریخی، لازم است نظم‌های مصداقی، مستقیماً به موضوعی برای حفظ تبدیل شوند. اگرچه در این خصوص نیز، نظم مصداقی و منحصر به فرد مکان تاریخی، اهمیت ویژه خود را از انطباق ویژه بر نظم‌های طبیعی یافته است. هرچند که در نهایت، در دورانی همچون امروز که رجوع به اندازه‌مندی‌ها و نظم‌های طبیعی و حتی فرهنگی در تقدیر اندازه‌های مکان‌های امروزی به کمترین میزان خود رسیده، نسخه‌های تاریخی از تجلیات اندازه‌مندی‌های طبیعی در مکان‌های ساخت بشر، لازم است غالباً هویت‌های ویژه به‌شمار روند.^{۱۴}

پی‌نوشت

1. Truth

۲. نظریه حرکت جوهری «یک از نظام‌مندترین و از لحاظ منطقی جذاب‌ترین تنسیق در باره معنای تغییر» در چارچوب تعالیم سنتی دانسته می‌شود (نصر، ۱۳۸۵، ب: ۴۸۷).

3. Postmodern

۴. (ایکوموس، ۲۰۰۸، ۱۹۷۶؛ ایکوموس اکوادور، ۱۹۶۷؛ ایکوموس استرالیا، ۱۹۸۰؛ ایکوموس کانادا، ۱۹۸۳؛ ایکوموس آمریکا، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۶ ایکوموس نیوزلند، ۱۹۹۳؛ ایکوموس ژاپن، ۱۹۹۴)

5. ICOMOS

6. Ruskin

7. Philological Restoration

۸. در تاریخ حفاظت معماری بخشی از بحث‌ها و چالش‌ها بر سر نسبت اندازه‌های مختلف در ایفای این نقش در مکان‌های تاریخی بوده است. با این توضیح که غالب نظریه پردازان به دنبال آن بوده‌اند تا در خود مکان به دنبال اندازه‌ها یا جوهری ثابت به عنوان مبنایی برای استمرار هویت باشند.

۹. «تعریف اشیاء، پاسخگویی به «چیستی» آن‌ها است؛ در مقام تعریف یک شیء اگر بتوانیم به کنه ذات او پی ببریم، یعنی اجزاء ماهیت آن را که عبارت است از اجناس و فصول آن، تشخیص بدهیم و بیان کنیم، به کامل‌ترین تعاریفات دست یافته‌ایم و چنین تعریفی را «حدتام» می‌گویند. ولی متأسفانه فلاسفه اعتراف دارند که به دست آوردن «حدتام» اشیاء چون مستلزم کشف ذاتیات اشیاء است و به عبارت دیگر مستلزم نفوذ عقل در کنه اشیاء است، کار آسانی نیست» (مطهری، ۱۳۸۱- الف: ۴۸-۴۳).

۱۰. اگر حرکت و تحول جزء ذات مواد و اشیاء جهان طبیعت باشد، هیچ ماده و شیئی را نمی‌توان بدون حرکت و تحول مورد شناخت قرار داد. ... و اگر همه اشیاء را همواره به ضمیمه حرکت بشناسیم، بر این اساس برای شناخت یک شیء لازم خواهد بود تمام عوامل مربوط به آن را در حال حرکت و تفاعل بشناسیم و چون آن عوامل به نوبت خود با عوامل دیگری مربوط و مرتبط هستند، باید آن‌ها را هم مورد شناسایی و تحلیل قرار دهیم. ... پس اگر برای شناخت یک موضوع یا پدیده، مجبور باشیم آن را در حال حرکت و تحول مطرح کنیم، مسلماً باید واحدهایی را برای شناسایی انتخاب کنیم، که وسیع تر از واحدهای مربوط به خود آن موضوع باشد. (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۹)

۱۱. سنت، بدین معنا، آهنگ مجموعه عظیم خلقت و «به معنای کلی‌اش مشتمل بر اصولی است که انسان را به عالم بالا پیوند می‌دهد» (نصر، ۱۳۸۵- ب: ۱۳۵).

۱۲. هر چیزی دو وجه دارد: وجهی به سوی نفس خود و وجهی به سوی پروردگار خویش. او به اعتبار وجه نفسش عدم است و به اعتبار وجه پروردگارش موجود است. در این صورت موجودی جز خدای نیست؛ پس هر چیزی جز وجه وی از ازل تا ابد فانی است. (ملاصدرا، ۱۳۸۴- ب: ۳۵۹)

۱۳. «عالم نزد ملاصدرا تجلی لحظه به لحظه خداوندی است و در تجلی او نیز هیچ تکراری نیست. عالم در نزد او مظهر اسماء الهی است و اسماء کلیه و جزئیه او که الگوهای زیبایی شناختی خداوند در آفرینش است لاتعد و لاتحصی است و خداوند با این اسماء دائما در عالم ظهور می‌فرماید. «کل یوم هو فی شأن» (الرحمن: ۲۹)» (امامی جمعه، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

۱۴. ضمن آن که در این صورت نیز، این که در میان نظم‌ها و اندازه‌مندی‌های مصداقی مکان تاریخی کدام یک در اولویت حفظ قرار گیرند، یا کدام یک در تعیین هویت مکان تاریخی اهمیت بالاتری دارند، خود محل بحث و گفتگو است. آن چه نیازمند تأملی در نسبت میان اندازه‌های متعدد در نظم مصداقی مکان تاریخی است؛ تأملی که از حدود ظرفیت این نوشتار خارج است. تنها در این مقدار لازم است به نسبت مورد نظر اشاره گردد که اگر بر وفق تقسیمات ارسطویی در اندازه‌های اشیاء، اندازه‌های مکان تاریخی را شامل دو دسته اندازه‌های جوهری و عرضی بدانیم، اندازه‌های جوهری (مانند جوهر موضوع مکان) نسبت به اندازه‌های عرضی (مانند اندازه‌های کیفی، اندازه‌های کمی و اندازه‌های مربوط به نسبت میان مکان و محیط پیرامونش) از اهمیت بالاتری برخوردار خواهند بود.

منابع و مأخذ

- ابن عربی، شیخ‌اکبر محی‌الدین (۱۳۸۲). *حقیقه‌الحقایق*. ترجمه نجیب مایل‌هروی، تهران: مولی.
- ارسطو (۱۳۷۷). *متافیزیک (مابعدالطبیعه)*. ترجمه شرف‌الدین شرف خراسانی شرف، تهران: حکمت.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن)*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امامی جمعه، مهدی (۱۳۸۸). *فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا*. تهران: متن.
- براندی، سزاره (۱۳۸۸). *تئوری مرمت*. ترجمه پیروز حناچی، تهران: دانشگاه تهران.
- برومر، وینسنت (۱۳۸۰). *سنت، تغییر و حفظ هویت، نشریه هفت آسمان*. ترجمه سیدمصطفی شهرآئینی، (۱۲)، ۲۹-۵۰.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۹). *مهندسی ایرانی، مجله آیین*. (۲۸ و ۲۹)، ۱۵-۵.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). *میانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها*. تهران: پیام.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). *حرکت و تحول از دیدگاه قرآن*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴). *هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)*، نشریه هنرهای زیبا. (۲۴)، ۵۵-۶۲.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). *میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حسن‌زاده آملی، علامه (۱۳۸۳). *شرح دفتر دل (جلد اول)*. شارح داوود صمدی آملی، قم: نهضت.
- خراسانی-شرف، شرف‌الدین (۱۳۵۲). *از سقراط تا ارسطو*. تهران: تهران مصور.
- خوانساری، محمد (۱۳۸۸). *منطق صوری*. تهران: آگاه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۶). *درباره غرب*. تهران: هرمس.
- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام (۱۳۸۹). *جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی*. تهران: سمیرا.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴). *نهاد ناآرام جهان*. تهران: صراط.
- صالحی، ابودر (۱۳۸۶). *قدر مکان*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری. یزد: دانشگاه یزد.
- طبسی، محسن و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۳). *نگاهی به زندگی و آثار جان راسکین، فصلنامه هنر*. (۶۲)، ۱۴۴-۱۲۲.
- طبیبیان، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۱). *آشنایی با مرمت ابنیه*. تهران: اول و آخر.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۲). *منشور آتن*. تهران: فضا.
- قیصری، داوودبن محمود (۱۳۸۷). *مقدمه قیصری بر فصوص ابن عربی*. ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی.
- کرباسی، عاطفه (۱۳۸۹). *ثابت و متغیر در معماری*. رساله دکتری معماری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گنون، رنه (۱۳۶۱). *سیطره کمیت و علائم آخر زمان*. ترجمه علی محمد کردان. تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- ماینر، ورنن‌هاید (۱۳۸۷). *تاریخ تاریخ هنر، سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر*. ترجمه مسعود قاسمیان، تهران: فرهنگستان هنر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶- الف). حرکت و زمان در فلسفه اسلامی. ج اول، تهران: حکمت.
 - _____ (۱۳۶۶- ب). حرکت و زمان در فلسفه اسلامی. ج دوم، تهران: حکمت.
 - _____ (۱۳۶۸). مجموعه آثار (ج ۹)؛ شرح مبسوط منظومه ۱. تهران: صدرا.
 - _____ (۱۳۸۱- الف). آشنایی با علوم اسلامی. ج اول: منطق - فلسفه، قم: صدرا.
 - _____ (۱۳۸۱- ب). مقالات فلسفی. تهران: صدرا.
 - ملاصدرا، صدرالمتألهین محمدبن‌ابراهیم (۱۳۸۴- الف). ترجمه اسفار اربعه، سفر اول. ج اول، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران: مولی.
 - _____ (۱۳۸۴- ب). ترجمه اسفار اربعه، سفر اول. ج دوم، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران: مولی.
 - _____ (۱۳۸۵). الشواهد الربوبیه. ترجمه و تفسیر محمدجواد مصلح، تهران: سروش.
 - ندیمی، هادی (۱۳۸۶- الف). بحران هویت، درآمدی بر آسیب‌شناسی زبان و اندیشه در هنر معاصر ایران، کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
 - _____ (۱۳۸۶- ب). درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. گردآوری وحید قاسمی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
 - _____ (۱۳۸۶- ج). حقیقت نقش، کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
 - _____ (۱۳۹۳). نرد با نردبان اندیشه معمارانه، رواق نظر، ده مقاله در معماری. تهران: متن.
 - نصر، سیدحسین (۱۳۸۵- الف). دین و نظم طبیعت. ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نی.
 - _____ (۱۳۸۵- ب). معرفت و معنویت. ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سهروردی.
 - _____ (۱۳۵۹). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران: خوارزمی.
 - وحیدزاده، رضا؛ پدرام، بهنام و اولیاء، محمدرضا (۱۳۹۰). ارزیابی اصالت در فرایند حفاظت از آثار تاریخی ایران: ضرورت توجه به تداوم فرهنگ بومی آفرینش هنری، مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی. سال اول، (۲)، ۱۶-۱.
 - ویناس، سالوادور میونز (۱۳۸۹). نگره نگاهداشت معاصر. ترجمه فرهنگ مظفر و دیگران، اصفهان: گلدسته.
 - یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، تهران: روزنه.
-
- Alexander, C. (2004). **The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of Universe** (Vol. 1-4). New York: Oxford university press.
 - Jackson, M. L. (2004). **The Principles of Preservation: The Influence of Viollet, Ruskin and Morris on Historic Preservation** (Master's thesis). Southwestern Oklahoma State University.
 - Meraz avila, F. (2008). **Architecture and Temporality in Conservation Philosophy: Cesare Brandi** (Doctoral thesis). University of Nottingham.
 - Papageorgiou, A. (1971). **Continuity and Change, Preservation in City Planning**. New York: Praeger.
 - Rab, S. (1997). **The "Monument" in Architecture and Conservation Theories of Architectural Significance and their Influence on Restorator, Preservation and Conservation** (Doctoral thesis). Georgia Institute of Technology.
 - Riegl, A. (1996). The Modern Cult of Monuments: Its Character and its Origin. **Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage**. Stanley-Price, N.; Talley, M. K. & Melucco Vaccaro, A. (Eds.). Los Angeles: Getty Conservation Institute. 69-83.
 - Viollet-le-Duc, E. (1996). Restoration. **Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage**. Stanley-Price, N.; Talley, M. K. & Melucco Vaccaro, A. (Eds.). Los Angeles: Getty Conservation Institute. 314-318.
 - URL 1: www.international.icomos.org/en/charters-and-texts (access date: 10/05/2013)



Received: 2014/04/19

Accepted: 2015/11/16

Identity of Historic Places in the Context of Change

Farhang Mozafar* Hadi Nadimi** Abouzar Salehi***

Abstract

1

In the history of architectural conservation, conservators or conservation theorists' viewpoint regarding the identity of historical places, particularly from the perspective of facing change, is one of the most significant bases of the conservation theories. However the Iranian society today, doesn't have a clear view consistent with the cultural principles of the historical places identity as a subject of conservation. This is what causes to arise such questions as "what is the approach of Persian-Islamic culture toward the identity of historical places from the perspective of dealing with change and temporality?"

In the present study with the aim of understanding the historical places as a conservation subject, firstly an overview of related perceptions in conservation theories is represented. Existing approaches include three different approaches toward identity of the historical places with the titles of "Identity as a variable having a constant element", "Identity as a process" and "Subjective identity". What follows after a description and critique of these approaches, is an explanation of the Islamic wisdom approach as one of the most important thoughtful bases of the Iranian culture.

Consequently, based on this approach, the identity of place is a variable having a constant subject. In this approach the constant subject involves some degrees of relative constant to absolute constant. Accordingly, the continuity of place identity in the process of change is rooted in some degrees of constant subject from traditions and patterns belonging to a specific region to higher degrees, divine constant traditions, substances and immutable archetypes of natural phenomena and their proportions and relationships. Thus, the relative degrees of constant subjects such as regional traditions and patterns, regardless of their relationship with higher levels of constant subject, can't be considered as timelessness criteria for identity of historical places, unless it refers, in a non-repetitive manner, to higher degrees of constant subject as in the contemporary era that the manifestation of constant subject in the lives and creating of place-making humans has reached its lowest levels.

Keywords: Identity, Historical Places, Change, Architectural Conservation, Islamic Wisdom

* Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology

** Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

*** Ph.D. Candidate, Department of Architectural Conservation, Art University of Isfahan.